

نقش علم صرف و دانش واژه‌سازی بر فراگیری و گسترش واژگان بالقوه آلمانی
مهین مرادی^۱، لیلی مسگرزاده اقدم^۲، شهرام صهاوی^۳

CLLS-2306-1191

چکیده

یادگیری واژگان آلمانی از دو منظر "معنا و ساختار صرفی" قابل بررسی است. راه‌های مختلفی برای گسترش دایره واژگان، وجود دارد. اغلب کلمات جدید، توسط واژه‌سازی ساخته می‌شوند. بخش نظری به تئوری‌های مختلف اکتساب واژگان بخصوص واژگان بالقوه و اهمیت قوانین واژه‌سازی در درس واژگان می‌پردازد؛ زیرا یادگیرنده از این طریق، توانایی استنباط معنی بسیاری از کلمات ناشناس را خواهد داشت. دو شکل اصلی واژه‌سازی در زبان آلمانی "ترکیبات و مشتقات" هستند که طیف وسیعی از کلمات را دربرمی‌گیرند. بنابراین، اهمیت یادگیری واژگان بر اساس شناسایی ریشه کلمه و علم صرف واژه، بیشتر نمایان می‌شود. این تحقیق در صدد سنجش تاثیر استفاده از دانش واژه‌سازی در افزایش یادگیری واژگان آلمانی است. به این منظور از روش آزمایشی و از نوع تحلیلی - میدانی استفاده شده که طی آن، دو گروه همسان از دانشجویان مورد آزمون قرار گرفتند. برای مقایسه دو گروه، نمره کلاسی آنها به وسیله آزمون "من ویتنی" محاسبه شد. نتیجه، همسانی دو گروه را قبل از آزمایش نشان می‌دهد. در ادامه، آزمون واژگان برای دو گروه برگزار شد. نتایج آزمون بر اساس تحلیل‌های آماری و آزمون تی نشان داد که دایره واژگانی دانشجویانی که واژگان را با کمک قوانین واژه‌سازی آموخته بودند، گسترده‌تر از گروه شاهد بود. نتیجه تحلیل‌های آماری برآزمایش‌ها و فرضیات پژوهش، مثبت بود؛ زیرا بر مبنای نتایج روش‌های آماری، این یک یادگیری معنادار است که به زبان‌آموزان کمک می‌کند از طریق تجزیه و تحلیل، بسیاری از لغات را یاد بگیرند.

واژگان کلیدی: واژگان بالقوه، علم صرف، واژه‌سازی، ترکیب، اشتقاق

دوره بیستم شماره ۳۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱. دانشجوی دکتری آموزش زبان آلمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ایمیل: mamo19_74@yahoo.com

<https://orcid.org/0009-0001-0941-4969>

۲. استادیار گروه زبان آلمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، (نویسنده مسوول)، تهران، ایران، ایمیل: l-mesgarzadeh@srbiau.ac.ir

<https://orcid.org/0009-0001-5106-0914>

۳. استادیار گروه زبان آلمانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، ایمیل:

shahramsahavi@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0006-0162-7798>



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

۱. مقدمه

برای گسترش دایره واژگان از راه‌های مختلفی استفاده می‌شود. اغلب کلمات جدید از روش واژه‌سازی ایجاد می‌شوند. از نظر آموزشی، واژگان زبان خارجی به سه دسته تقسیم می‌شوند: واژگان تولیدی^۱ که زبان‌آموز می‌تواند به‌کار ببرد؛ واژگان دریافتی^۲ که زبان‌آموز صرفاً می‌تواند درک کند و واژگان بالقوه^۳ که زبان‌آموز نمی‌شناسد، اما با کمک دانش زبانی و به‌ویژه دانش واژه‌سازی، می‌تواند آن‌ها را درک کند (Hallet 104 / König). ولفگانگ هالت و فرانک جی کونیکس در فصل اکتساب واژگان خود، تئوری‌های مختلف اکتساب واژگان را از دید صاحب‌نظرانی از قبیل راینر بُن و دیگران مطرح کرده‌اند. اما آنچه این مقاله به آن می‌پردازد، واژگان بالقوه و اهمیت آموزش قوانین واژه‌سازی در درس واژگان است. زیرا زبان‌آموز در صورت آشنایی با واژه‌سازی و علم صرف،^۴ توانایی استنباط معنی بسیاری از کلمات ناشناس را نیز خواهد داشت. این بدان معنی است که در مواجهه با بسیاری از واژگان جدید، تلاش می‌کند معنی آن‌ها را حدس بزند و کمتر نیاز به واژه‌نامه دارد. از آنجا که زبان آلمانی غنی از واژگان اشتقاقی و ترکیبی است، یکی از نیازهای دانشجویان این رشته، آموزش چندوجهی واژگان آلمانی می‌باشد. یکی از استراتژی‌های پیشنهادی، آموزش واژگان بر مبنای علم صرف واژه می‌باشد. مباحث واژه‌سازی و علم صرف، به‌طور مشخص در حوزه زبان‌شناسی مطرح است. در این مقاله، سعی بر آن است تا از این دانش در درس آموزش واژگان آلمانی استفاده شود. پرسش اصلی این پژوهش این است که آیا رابطه‌ای بین آموزه‌های علم صرف و ریشه‌شناسی در یادگیری و گسترش واژگان بالقوه آلمانی برای یادگیرنده این زبان وجود دارد؟ علاوه‌براین، این پژوهش در صدد یافتن پاسخ این پرسش‌ها می‌باشد: آیا ریشه‌شناسی و علم صرف واژه، در تجزیه و تحلیل و درک معنای واژگان جدید به یادگیرنده کمک می‌کند؟ آیا آموزش واژگان با استفاده از ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی به یادگیرنده کمک می‌کند تا واژه‌های جدید آلمانی را در حافظه به‌طور موثری ذخیره کند و گسترش دهد؟ فرضیات این پژوهش نیز عبارت است از: آموزش ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی آلمانی ممکن است به یادگیرنده زبان آلمانی در تجزیه و تحلیل و درک

1. productive vocabulary
2. receptive vocabulary
3. Potential Vocabulary
4. Morphology

معنی واژگان نیز کمک کند. همچنین یادگیری واژگان با استفاده از ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی ممکن است در ذخیره کلمات جدید در حافظه و همچنین ساخت واژه‌های جدید موثر باشد. به‌کارگیری دانش ساخت واژه در آموزش واژگان آلمانی از جمله اهداف این پژوهش می‌باشد. این مقاله ابتدا به مطالعه اکتساب واژگان، بخصوص نقش واژگان بالقوه، واژه‌سازی و تحلیل معنایی برخی وندها در این زمینه پرداخته است. سپس آزمایش این روش در کلاس درس واژگان و از نوع تحلیلی و میدانی است. برای این منظور، دو گروه همسان از دانشجویان مورد بررسی قرار می‌گیرند. برای تعیین همسانی دو گروه، نمره کلاسی آن‌ها با استفاده از آزمون "من ویتنی"^۱ مورد محاسبه قرار گرفت. سپس آزمون واژگان برای دو گروه برگزار شد. در آخر، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتایج آزمون واژگان، بر مبنای روش‌های آماری و نتایج حاصل از این پژوهش ارائه خواهد شد.

۲. پیشینه پژوهش و چارچوب نظری

بحث علمی درباره واژگان در آموزش زبان آلمانی با انگیزه تدریس عملی و روان‌شناسی یادگیری است که در منابع متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس آثار رایبر بُن (۱۹۹۹) و دیگران، تلاش شده تا فهرستی از بحث آموزشی واژگان ارائه شود. ولفگانگ هالت و فرانک جی کونیگس (۲۰۱۳) در فصل اکتساب واژگان خود، پایه‌های نظری اکتساب واژگان را از دید صاحب‌نظران دسته‌بندی کرده‌اند. در این میان، تقسیم‌بندی واژگان زبان خارجی از نظر آموزشی و بویژه نقش "واژگان بالقوه" مطرح است. سه شکل اکتساب واژگان که در کتاب آن‌ها اشاره شده، شامل "اکتساب واژگان به صورت اتفاقی، اکتساب واژگان تحت کنترل درسی و اکتساب واژگان تحت کنترل خود زبان‌آموز" است. اکتساب واژگان کنترل‌شده درسی به اثر دویه (۱۹۷۵) برمی‌گردد که بر مبنای آن سه مرحله "ارائه، تمرین و به‌کارگیری" متمایز می‌شوند. در مرحله ارائه، هدف این است که زبان‌آموز اجزای مختلف کلمه را بشناسد و در اینجا "معنی" نقش برجسته‌ای دارد. رایبر بُن (۱۹۹۹) روش‌های تفهیم غیرزبانی (اعداد، علائم، تصویرسازی عینی^۲، تصویرسازی تصویری^۳، حرکات، حالات چهره، پانتومیم)، روش‌های تفهیم زبانی (توضیحات از طریق

1. Mann-Whitney test
2. concrete illustration

متن، مترادف‌ها، متضادها، دانش ساخت واژه^۱، دسته‌بندی‌های خاص^۲، سلسله مراتب^۳، نتیجه‌گیری با قیاس^۴، معادلات^۵، تعاریف، جملات مثالی و عبارات) و روش‌های دوزبانه (ترجمه، شباهت‌های کلمه بین زبان مادری و خارجی، شباهت‌های کلمه بین زبان خارجی اول و دوم و کلمات بین‌المللی) را به‌عنوان روش‌های مختلف آموزش واژگان بیان کرده است. سه شکل اکتساب واژگان، یکدیگر را رد نمی‌کنند، بلکه مکمل یکدیگرند. با توجه به نقاط قوت و ضعف رویکردهای مختلف اکتساب واژگان، «تعامل» مهم است. رویکردها باید به گونه‌ای سازمان‌دهی شوند که بتوان از پتانسیل‌ها حداکثر استفاده را کرد. ویلهلم اشمیت (۲۰۰۸) نیز با استفاده از نظرات فلایشیر (۱۹۶۹) و دیگران به مباحثی مانند ترکیب^۶، اشتقاق^۷ و وندها^۸ مختلف پرداخته و مولر (۱۹۹۶) انواع تداعی کلمات را در روان‌شناسی حافظه مطرح کرده است. در مجله نقد زبان و ادبیات خارجی دانشگاه شهید بهشتی، مقاله شماره ۱۹ به بررسی جایگاه کلمات و ترتیب سازه‌های جمله در زبان آلمانی (Sobhani) و مقاله شماره ۲۷ به خطاهای زبان‌آموزان در به‌کارگیری واژگان و ترکیبات ثابت واژگانی در زبان آلمانی پرداخته (Firoozabadi)، اما هیچ‌یک اشاره‌ای به واژگان از نقطه‌نظر صرف واژه نکرده‌اند. از جمله پیش‌مطالعات همسو با این پژوهش، رساله دکتری مارتینا کینبرگر (۲۰۲۰) درباره استفاده از پتانسیل واژگان بالقوه و استراتژی‌های استنباط معنی واژگان ناشناخته و پایان‌نامه

لیلیانا سیتار (۲۰۱۳) درباره مقایسه صرفی بیلوردهای تبلیغاتی آلمانی و اسلوونیایی با تاکید بر واژه‌سازی از نوع اختلاط کلمات^۹ است. علاوه‌براین، مقاله رِناتا بودزیاک (۲۰۱۹) از انتشارات دانشگاه ورشو با عنوان «واژه‌سازی به‌عنوان جنبه‌ای از کار واژگان - یک چالش در درس آلمانی به‌عنوان زبان خارجی»، مقاله ایشتوان بوگنر و سانجا نینکوویچ (۲۰۱۳) از سال‌نامه دانشکده فلسفه در دانشگاه نَوی ساد با عنوان «معناشناسی پیشوند ver- در آلمانی معاصر و معادل‌های آن در صربی» و مقاله جوانا

1. pictorial illustration
2. knowledge of word formation
3. rows
4. hierarchies
5. conclusions by analogy
6. equations
7. composition
8. derivation
9. Kontamination

تارگونسکا (۲۰۱۳) با عنوان «دانش واژه‌سازی برای گسترش خلاقانه و بازی‌گونه دایره واژگان زبان خارجی» می‌باشند. این پژوهش از کتاب‌هایی مانند دودن یونیورسال^۱ و دستوردودن^۲ نیز بهره گرفته است.

۲.۱. چارچوب نظری

در تحقیقات آموزش واژگان خارجی، در وهله اول نقش واژه‌سازی در ارتباط با تدریس ساختار واژگان، دیده می‌شود. راینر بن و اینا شرایتر (Bohn /Schreiter 171-170) بین واژگان فعال (تولیدی)، غیرفعال (دریافتی) و بالقوه (مخفی) تمایز قائل می‌شوند و برای واژه‌سازی دسته آخر، جایگاه مهمی قائل هستند. «واژگان بالقوه» شامل کلمات مرکب و مشتقاتی است که یادگیرنده نمی‌شناسد، اما آن‌ها را بدون توضیح می‌فهمد؛ زیرا معنای اجزا برای او روشن است، قواعد واژه‌سازی مناسب را می‌داند، از دانش زبانی خود استفاده می‌کند و فرضیه‌ها و ... را می‌سازد. بنابراین، واژگان بالقوه یک کمیت قابل شمارش نیست، بلکه توانایی استنباط معنای کلمات ناشناخته از اجزای سازنده شناخته شده است. این توانایی اساساً به کیفیت واژگان فعال و غیرفعال و به دانش موجود بستگی دارد (Bohn 24). متأسفانه در آموزش زبان خارجی، توجه چندانی به این حوزه نمی‌شود. واژگان بالقوه را می‌توان از سطح پایه با تکنیک‌های رمزگشایی خاصی در سطح کلمه، جمله و متن افزایش داد (81 Neuner). بُن و شرایتر تنها بر جنبه دریافتی دانش واژه‌سازی تأکید می‌کنند که می‌تواند تا حد زیادی اکتساب واژگان را تسهیل کند، زیرا زبان‌آموز قادر است بدون مراجعه به واژه‌نامه، معنای کلمه جدید را از متن استنباط کند. البته مشروط بر این که فنون واژه‌سازی را بداند، از آن‌ها برای جداسازی اجزای یک اسم مرکب استفاده کند و معنای این اجزا را بداند. بنابراین، جداسازی واژگان پیچیده، استراتژی مهمی برای تعیین معنای کلمات است و باید قبل از مراجعه فوری زبان‌آموزان به واژه‌نامه، در درس‌ها مورد بحث قرار گیرد. علاوه بر این، این استراتژی شامل افزایش آگاهی یادگیرنده از واژه‌سازی‌های اسمی، فعلی و صفتی می‌باشد (114-116 Bimmel/Rampillon). رمزگشایی مشتقات و ترکیبات بخصوص هنگام برخورد با متون واقعی، اهمیت دارد. بنابراین، باید تمرین‌های ساخت واژه، بخش جدایی‌ناپذیر آموزش واژگان باشد (14 Wildfeuer). مفهوم واژگان بالقوه در آموزش تخصصی از یک سو به‌عنوان

1. German Universal Dictionary
2. Duden standard grammar

مجموعه‌ای از کلمات ناشناس است که می‌توانند بلافاصله در اولین برخورد با آن‌ها (بدون آموزش قبلی) تشخیص داده شوند. از سوی دیگر، به‌عنوان نوعی توانایی است که منجر به این نوع از شناسایی کلمات می‌شود. رامپیلون (Rampillon 30) به دسته اول تعلق دارد. همچنین به گفته نولینگ (Neveling 118) "توانایی استنباط"، واژگان بالقوه عظیمی ایجاد می‌کند. به نظر اشتورث، ساخت واژه با عنوان «واژگان بالقوه» نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد، زیرا دانش اجزای ساخت واژه، امکان درک یا ساخت کلمه‌ای جدید یعنی «بالقوه» را فراهم می‌کند (Storch 30). از سوی دیگر، به گفته لوشمان (Löschmann 30) مفهوم «واژگان بالقوه» در سطحی متفاوت از واژگان دریافتی و تولیدی قرار دارد و بر مبنای تسلط بر هر کلمه نیست؛ بلکه بیشتر درباره توانایی زبانی-ذهنی است که از طریق دانش جهانی، تسلط بر زبان مادری، زبان خارجی و فرادانسته‌ها درباره زبان و همچنین از طریق شناخت، فراشناخت، تفکر منطقی و مهارت‌های استنباط تغذیه می‌شود. البته به اعتقاد بورنر (Börner 40) «واژگان بالقوه» مبحث دانش واژگان نیست؛ بلکه همبستگی استراتژی‌های ارتباطی است که به یادگیرنده کمک می‌کند با دانش صرف‌شناسی، معناشناسی، شباهت‌های زبانی یا . . . به کلمات ناشناس یک معنی اختصاص دهد. در آلمانی، هر روز واژه‌های خلاقانه نه‌تنها توسط بزرگسالان بلکه خردسالان تولید می‌شوند (Menzel 12). بنابراین، باید در آموزش زبان خارجی، فضایی شایسته به واژه‌سازی داده شود که ناشی از کاربردهای وسیع آن است. متأسفانه تاکنون آموزش چنین حوزه مهمی در آموزش زبان‌های خارجی، بسیار مغفول مانده است (Heyd 91). واژه‌سازی عبارت است از تولید واژه‌ها به کمک مواد زبانی موجود که در آن از عناصر ویژه نیز استفاده می‌شود، مانند:

Umgehungsstraße, abfragen (Fleischer/Barz5)

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر، آزمایشی و از نوع تحلیلی - میدانی است. برای این منظور از ۴۰ دانشجوی ترم چهارم کارشناسی در رشته مترجمی زبان آلمانی دانشگاه آزاد اسلامی در درس واژه‌گزینی استفاده شد. سن دانشجویان، ۲۰ تا ۲۴ سال است. در بخش میدانی، دانشجویان یک کلاس به دو گروه همسان تقسیم شدند: گروه شاهد و گروه گواه که برای گروه گواه، آموزش واژگان با روش تجزیه و تحلیل واژه ارائه شد. برای همسان‌سازی

دو گروه، طبق نمرات کلاسی دانشجویان خوب، متوسط و ضعیف در دو گروه شاهد و گواه به صورت مساوی تقسیم شدند و نمره کلاسی آن‌ها با استفاده از آزمون "من-ویتنی" مورد محاسبه قرار گرفت. برای انجام آزمون من-ویتنی، گروه‌ها و نمرات در نرم‌افزار SPSS وارد شدند. نتایج حاصله طبق نمودارهای ذیل، بیانگر همسانی دو گروه شاهد و گواه است.

Mann-Whitney Test:

Ranks

	Grops	N	Mean Rank	Sum of Rank
Scores	1.00	20	20.45	409.00
	2.00	20	20.55	411.00
	Total	40		

Test Statistics^b

	Scores
Mann-Whitney U	199.000
Wilcoxon W	409.000
Z	-.027
Asymp. Sig. (2-tailed)	.978
Exact Sig. [2*(1-tailed Sig.)]	.989a

a. Not corrected for ties.

b. Grouping Variable: Groups

طبق نمودارهای فوق، از آزمون من-ویتنی برای آزمون فرض یکسان بودن نمرات آزمون ورودی در دو گروه استفاده شد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در جدول Ranks مجموع و میانگین نمرات و در جدول Test Statistics مقدار معنادار (Sig) ۰,۹۷۸ به‌دست آمده که بیشتر از ۰,۰۵ است. در نتیجه تفاوت معنی‌داری در سطح پنج درصد بین نمرات دو گروه کنترل و گواه وجود ندارد. از این‌رو، می‌توان دانشجویان شرکت‌کننده در دو گروه را همگن دانست. برای آزمایش این شیوه آموزشی وازگان، طی یک ترم تحصیلی در گروه گواه "شیوه‌های تجزیه و تحلیل وازگان"، "معنی وندهای گوناگون و تاثیر آن‌ها بر معنی واژه" و "ویژگی اسم‌سازی، صفت‌سازی و فعل‌سازی گروهی از وندها" تدریس شد. به این منظور، جزوه محتوی معانی وندهای مختلف و تعدادی از ریشه‌های افعال پرکاربرد آلمانی و کلمات مشتق از آن‌ها و کلمات ترکیبی مربوطه، به‌صورت دسته‌بندی شده بین دانشجویان این گروه توزیع شد. گروه شاهد هیچ آموزشی در این زمینه ندیدند. در پایان، برای ارزیابی دانش وازگانی دو گروه، امتحانی برگزار و جمع‌آوری داده‌ها نیز بر این اساس انجام شد.

۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل

در این بخش، ابتدا به واژه‌سازی در آموزش وازگان، مهم‌ترین فرایندهای ساخت واژه و تحلیل معنایی برخی وندها اشاره می‌شود. در ادامه، تحلیل آماری نتیجه آزمون وازگان هر دو گروه شاهد و گواه ارائه می‌شود تا بر مبنای آن به پاسخ پرسش‌های پژوهش برسیم. وندها و تاثیر معنایی آن‌ها بر واژه، در زبان آلمانی پیچیده هستند. با این حال می‌توان آن‌ها را تا حدی دسته‌بندی کرد تا فراگیری وازگان آلمانی آسان‌تر شود. به گفته بُن در آموزش وازگان، "جنبه زبان‌شناسی واژه‌سازی" مورد نظر نیست، بلکه بیشتر "جنبه یادگیری-روان‌شناختی" و "جنبه آموزشی واژه‌سازی" مورد توجه است. بر اساس یافته‌های منتج از بررسی حافظه، اگر کلمات از نظر محتوا شبکه‌ای باشند، درک آن‌ها آسان‌تر می‌شود. در اینجا دانش صرف و واژه‌سازی نیز پیش‌نیاز مهمی برای شناخت روابط معنایی است. بنابراین، "menschlich" می‌تواند به‌عنوان مشتق "Mensch" استنباط شود و در "vierjährigen Rhythmus" با ارجاع به "vier" و "Jahr"، به‌عنوان "هر چهار سال" و نه "چهار سال" استنباط می‌شود. ضمن ارائه قواعد واژه‌سازی در کتاب‌های درسی وازگان، فراگیران به‌طور فزاینده‌ای مستقل و غیروابسته می‌شوند و این دقیقاً ساختار وازگان است که یادگیری مستقل را ضروری می‌کند. اغلب کتب درسی، اطلاعات دستوری و صرفی را درباره ترکیبات ارائه می‌دهند؛ اما کتب اندکی در توسعه

معنایی کلمات به یادگیرندگان کمک می‌کنند (Bohn 52). بوسمن (Bussmann 751) وظایف اصلی واژه‌سازی را به سه گروه تقسیم می‌کند. ابتدا باید عناصر به‌کاررفته در کلمات (تک‌واژه‌ای پایه^۱، پسوندها^۲، پیشوندها^۳ و ...^۴) طبقه‌بندی شوند. وظیفه بعد، تشریح انواع واژه‌سازی (اشتقاق، ترکیب، تبدیل^۵، اختصار^۶، اختلاط کلمات و ...^۷) است. سومین وظیفه واژه‌سازی، شرح جنبه‌های معنایی فرایندهای واژه‌سازی است. انواع کلمه اسم، فعل، صفت و قید بیشترین کاربرد را در کلمه‌سازی دارند. بر اساس تخمین تقریبی، واژگان آلمانی از حدود ۶۰ درصد اسم، ۲۵ درصد فعل و ۱۵ درصد صفت تشکیل شده است (Duden Grammatik (639 641). دو شکل اصلی واژه‌سازی در زبان آلمانی "ترکیبات و مشتقات" هستند. ترکیبات، کلمات پیچیده‌ای هستند که از اجزای قابل واژه‌سازی تشکیل شده‌اند و جزء دوم، گرامر کل ساخت را تعیین می‌کند. ترکیب، بیش از همه به ساخت اسم و صفت کمک می‌کند و تقریباً هیچ نقشی در ساخت فعل ندارد (Duden Gram- 664). یک مشتق به‌کمک یک جزء قابل‌واژه‌سازی و یک وند به‌وجود می‌آید. بر حسب این که جزء پایه در کدام جایگاه قرار دارد، بین "اشتقاق پیشوندی^۸، اشتقاق پسوندی^۹ و اشتقاق پیروندی^{۱۰}" می‌توان تمایز قائل شد. "پسوند" معمولاً در واژه‌سازی‌های اسمی و صفتی و "پیشوند" برای افعال به‌کار می‌رود. در مشتقات پیشوندی اسمی و صفتی، جزء دوم همواره یک بن پیچیده است که ویژگی‌های دستوری و نحوی را تعیین می‌کند؛ مانند: *Unwetter, uralt*. در فعل‌های پیشوندی می‌توان به پایه‌های فعل، پیشوند اضافه کرد و افعال از اسم و صفت نیز مشتق می‌شوند؛ مانند: *entsteinen, verunglücken, verar-*. در مشتقات پسوندی، پسوند اساس مشتق را نشان می‌دهد. مانند: *Deutung* از *Politik*، *deuten* از *polit* و *stürmisch* از *Sturm*. در مشتقات پیروندی، پیروند کلمه پایه را محصور می‌کند؛ مانند: *laufen-Gelaufe* (Duden Grammatik 665-667).

در اینجا به تحلیل معنایی برخی وندها در مشتقات می‌پردازیم. سپس تاثیر یادگیری واژگان از طریق واژه‌سازی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

1. Basic morpheme
2. prefix
3. suffix
4. Conversion
5. cuts
6. Prefix Derivation
7. Suffix Derivation
- 8..Circumfix Derivation

۱.۴. مشتقات اسمی

مشتقات اسمی، هر سه زیرمجموعه مشتقات پسوندی (Maler)، مشتقات پیشوندی (Missernte) و مشتقات پیراوندی (Gelache) را دربر می‌گیرد (Duden Grammatik ۷۲۲). به‌عنوان مثال، واژه "zeng" به فعل ziehen برمی‌گردد و در اصل به‌معنای کشیدن یا وسیله‌ای برای کشیدن است که از آن، معانی مانند وسیله، ابزار یا مواد تداعی می‌شود. بنابراین،

بسیاری از مشتقات پسوندی با "zeug" از نظر معنی، یک وسیله یا ابزار را تداعی می‌کنند و می‌توان آن‌ها را در یک دسته‌بندی قرار داد. مانند: (Werkzeug, Fahrzeug, Feu-) erzeug, Spielzeug, Flugzeug, Schreibzeug). یا در دسته‌بندی دیگری از اشتقاق پسوندی، پسوند "er-" در برخی کلمات به اسامی مذکری اشاره دارد که انجام‌دهنده عملی هستند. پسوند "er-" در این نوع، معمولاً به پایه فعلی می‌چسبد (Duden Grammatik.724) مانند: (Fahrer, Spieler, Täter, Lehrer, Lerner, Frager, Kämpfer, Käufer, Leser, Hörer)

۲.۴. مشتقات فعلی

پیشوند "ver-" جزو پیشوندهای واقعی یا غیرقابل تفکیک است (Eisenberg 254-255) و نظرات مختلفی درباره عملکرد معنایی این پیشوند با افعال وجود دارد. چند ویژگی معنایی آن عبارتند از: تغییر، کامل انجام دادن، دقت، صرفه‌جویی در زبان، انعطاف‌پذیری. پیشوند "ver-" معنای اصلی یک فعل را تغییر می‌دهد. بنابراین، به‌گسترش واژگان کمک می‌کند. پیشوند "ver-" بر اجرای کامل یک عمل یا اجرای اشتباه یک عمل نیز دلالت می‌کند (Fleischer/ Barz ۳۲۵). مثال‌هایی از قبیل verbrauchen و vertelefonieren را می‌توان برای بار معنایی کامل انجام دادن این پیشوند ذکر کرد. در اینجا افعالی هستند که بیان می‌کنند عملی که فعل توصیف می‌کند، به میزان اغراق‌آمیز انجام می‌شود؛ یا به گفته دونالدیز، در اثر انجام نادرست عمل، نوعی آسیب وجود دارد (Donalies 118). به‌عنوان مثال: ver-backen. علاوه‌براین، پیشوند "ver-" بر اجرای اشتباه یک عمل دلالت می‌کند یا نوعی نفی را نشان می‌دهد؛ مانند: (verrechnen, verwechseln, verwählen). البته مونگان (۱۹۸۶)

1. Modification
2. completeness
3. precision
4. economy of language
5. flexibility

بر دقیق شدن و صرفه‌جویی زبانی به‌عنوان یک کارایی مهم پیشوند "ver-" تأکید می‌کند که می‌توان از عبارات طولانی اجتناب کرد. به‌عنوان مثال، به‌جای: nichts mehr zum Es: (sen hatte Er ist gestorben, weil er) می‌توان از جمله (Er ist verhungert) استفاده کرد و مثال‌هایی مانند (vergrößern, verkleinern, verfilmen) معنای انعطاف‌پذیری را توسط پیشوند "ver-" منتقل می‌کنند. گروهی از افعال با پیشوند "ver-" (ver-Verben) نیز به هیچ یک از گروه‌های بالا تعلق ندارند. واژه‌سازی با پیشوند "be-" نیز می‌تواند اساساً برای تغییر ظرفیت بدون ایجاد تغییرات معنایی جدی در فعل پایه باشد که درباره اغلب افعال با پیشوند "be-" (be- verben) صدق می‌کند (Dudengrammatik 689).

۳.۴. مشتقات صفتی

واژه‌سازی متفاوت یک صفت، گاهی منجر به تفاوت‌هایی در معنا نیز می‌شود. پس „kindlich“ به معنای „kindisch“ نیست و „launig“ به معنای „launisch“ نیست. با کمک پسوندهای „-ig, -isch, -lich“ از اسامی، صفت مشتق می‌شود. -معنای پسوند ig- این است که مقدار زیادی از «آنچه به ریشه کلمه دلالت می‌کند» موجود است. به‌عنوان مثال: („nebelig = „Nebel ist vorhanden“).

- با پسوند «-isch» صفات اغلب از اسم موجودات زنده تشکیل می‌شوند، مانند: diebi- sch, künstlerisch پسوند «-isch» به معنای «به‌شیوه یا مانند» نیز می‌باشد، به‌عنوان مثال betrügerisch = in der Art eines Betrügers bzw. wie ein Betrüger: همچنین با پسوند «-isch» از سایر ریشه‌های اسمی نیز صفاتی به معنی «متعلق به» ساخته می‌شوند. مانند: grammatisch, karolingisch

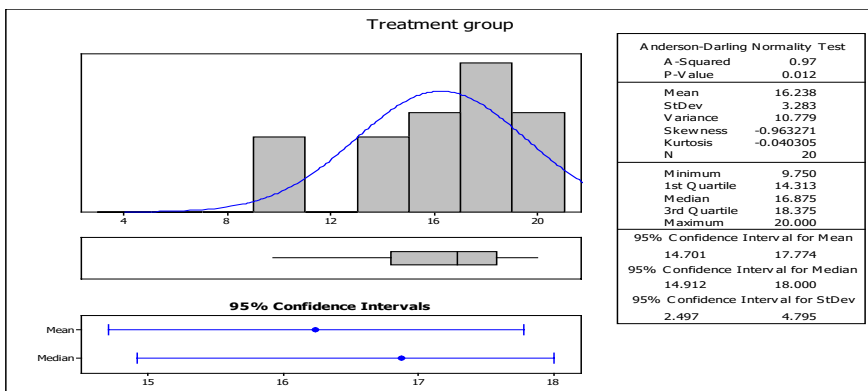
- پسوند "lich" به‌طور کلی صرفاً بیانگر "به چیزی ربط داشتن" است، مانند: rühmlich, ärgerlich, ärztlich

۴.۴. تحلیل نتایج

آموزش واژگان با کمک دانش صرف، طی یک ترم تحصیلی در گروه گواه ارائه شد. "شیوه‌های تجزیه و تحلیل واژگان"، "تاثیر معنی و ندها بر معنی واژه" و نیز "ویژگی اسم سازی، صفت‌سازی و فعل‌سازی گروهی از وندها" تدریس شد. به این صورت که جزوه‌های حاوی معانی وندهای مختلف و نیز تعدادی از ریشه‌های افعال پرکاربرد آلمانی و کلمات مشتق‌شده از آن‌ها و کلمات ترکیبی مربوطه، به‌صورت دسته‌بندی‌شده

بین دانشجویان این گروه توزیع شد و گروه شاهد هیچ آموزشی در این زمینه ندیدند. در پایان، برای ارزیابی دانش واژگانی دوگروه، یک امتحان برگزار شد و داده‌های به‌دست آمده از این نوع آموزش و تاثیر آن بر گسترش دایره واژگانی دانشجویان، مورد بررسی قرار گرفت. پرسش‌های پژوهش از این قرار است: آیا ریشه‌شناسی و علم صرف واژه به یادگیرنده در تجزیه و تحلیل و درک معنای واژگان جدید، کمک می‌کند؟ آیا آموزش واژگان با استفاده از ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی به یادگیرنده کمک می‌کند تا واژه‌های جدید آلمانی را به‌طور موثر در حافظه ذخیره کند و گسترش دهد؟ برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش و بررسی فرضیه‌های پژوهش، دانشجویان مورد نظر از طریق یک آزمون مورد آزمایش قرار گرفتند. این آزمون شامل ۲۰ پرسش بود که ده پرسش برگرفته از خود کتاب آموزشی واژگان و ده پرسش دیگر در حوزه‌های ساختن کلمات از طریق ریشه یکسان و با استفاده از وندها، تشخیص ریشه کلمه در تعدادی از ساخت‌واژه‌ها با وندها و ریشه‌های متفاوت، تشخیص اسم، صفت یا فعل بودن کلمات با توجه به وندها و ریشه‌ها از طریق تست‌های چندگزینه‌ای و جای خالی بود. در ادامه، نمرات آزمون واژگان دوگروه را با روش‌های آماری تحلیل می‌کنیم. ابتدا نرمال بودن نمرات را با استفاده از آزمون اندرسن-دارلینگ در دو گروه کنترل و گواه بررسی می‌کنیم.

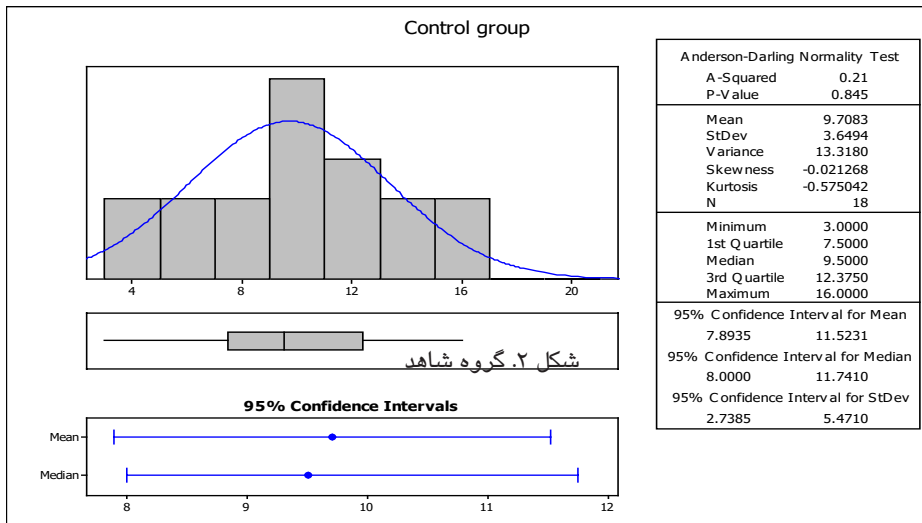
تحلیل توصیفی نتایج (شاخص‌های تمرکز، پراکندگی و شکل توزیع نمرات)



شکل ۱. گروه گواه

با توجه به آزمون اندرسن-دارلینگ، توزیع نمرات در گروه گواه در سطح معنی‌دار

۱ درصد، نرمال است ($p = 012/0$)



با توجه به آزمون اندرسن-دارلینگ، توزیع نمرات در گروه شاهد در سطح معنی‌دار

۱ درصد، نرمال است ($p = 0/84$)

میانگین نمرات: ۹/۷۱

انحراف معیار نمرات: ۳/۶۵

میانه نمرات: ۹/۵

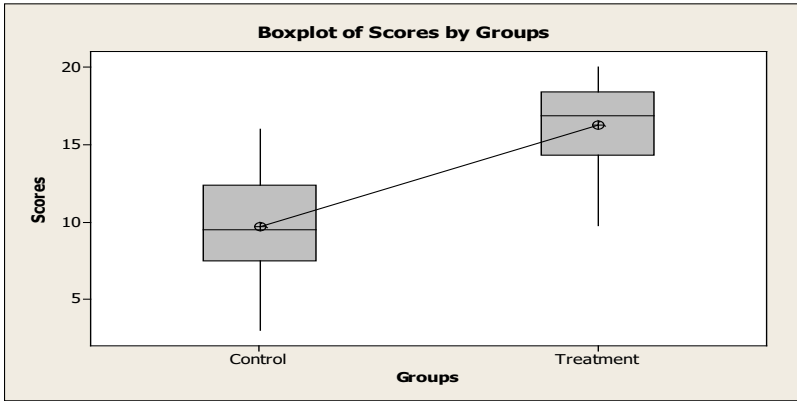
فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد برای میانگین: (۷/۸۹، ۱۱/۵۲)

فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد برای میانه: (۸/۰۰، ۱۱/۷۴)

بر اساس آزمون اندرسن-دارلینگ، نمرات هر دو گروه گواه و شاهد، نرمال هستند.

در ادامه، ابتدا نمرات دو گروه با استفاده از نمودار جعبه‌ای مقایسه شد. تفاوت در نمرات

دو گروه به‌وضوح در شکل دیده می‌شود.



مقایسه نمرات در گروه با نمودار جعبه‌ای
سپس برای مقایسه آماری نمرات دو گروه، از آزمون "تی استیودنت"
استفاده کردیم.
نتیجه آزمون تی برای مقایسه میانگین دو گروه

Two-Sample T-Test and CI: Scores, Groups

Two-sample T for Scores

Groups	N	Mean	StDev	SE Mean
--------	---	------	-------	---------

Control	18	9.71	3.65	0.86
---------	----	------	------	------

Treatment	20	16.24	3.28	0.73
-----------	----	-------	------	------

(Difference = mu (Control) - mu (Treatment)

Estimate for difference: -6.52917

(CI for difference: (-8.82737, -4.23097) 95%

T-Test of difference = 0 (vs not =): T-Value = -5.77

P-Value = 0.000 DF = 34

با توجه به خروجی فوق در نرم‌افزار "مینی‌تب"، میانگین تفاوت بین نمرات گروه شاهد و گواه، $-6/52$ است که در سطح ۱ درصد، معنی‌دار است ($p < 000/0$). بر اساس روش‌های آماری انجام‌شده، تفاوت معناداری بین دو گروه شاهد و گواه مشاهده می‌شود. بنابراین، اعمال این روش‌های آماری، میانگین نسبی بالاتر گروه گواه به گروه شاهد را در هر دو فرضیه پژوهش نشان می‌دهد. بر این اساس به پرسش‌های پژوهش نیز با شرح زیر پاسخ مثبت داده می‌شود:

۱. آموزش ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی آلمانی به یادگیرنده زبان آلمانی در تجزیه و

تحلیل و درک معنی واژگان، کمک می‌کند. یادگیرندگان با شناخت ریشه کلمه و توجه به قوانین ساخت واژه، می‌توانند معنی یک کلمه جدید و ناآشنا را حدس بزنند. بدین ترتیب، این نوع آموزش واژگان به زبان‌آموزان برای درک معنی واژگان جدید کمک می‌کند.

۲. یادگیری واژگان با استفاده از ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی می‌تواند در ذخیره کلمات جدید در حافظه و ساخت واژه‌های جدید موثر باشد، زیرا این نوعی یادگیری معنادار است که به زبان‌آموزان کمک می‌کند از طریق تجزیه و تحلیل، لغات را یاد بگیرند و گسترش دهند. این امر بیانگر تاثیر مثبت آموزش واژگان از طریق دانش صرف و واژه‌سازی بر گسترش دایره واژگانی گروه گواه است.

۵. نتیجه‌گیری

افراد با دو زبان متفاوت با وجود دانش دستوری اندک و صرفاً دانستن چند واژه، می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند. از این رو، بخش واژگانی مهم‌ترین بخش فراگیری یک زبان خارجی به‌شمار می‌رود. بنابراین، روش آموزش واژگان نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در بخش نظری، روش‌های مختلف اکتساب واژگان ارائه و بخش عملی، بر یکی از رویکردهای اکتساب واژگان، یعنی یادگیری واژگان از طریق دانش واژه‌سازی و تحلیل معنایی برخی وندها، تمرکز شد. نتیجه به‌دست آمده از آزمون واژگان دو گروه شاهد و گواه؛ که در آن گروه گواه واژگان را با این روش آموخته بودند، بر مبنای تحلیل‌های آماری بررسی شد. نتیجه تحلیل‌های آماری بر آزمایش‌ها و همچنین مفروضات پژوهش، پاسخ پرسش‌های پژوهش را به‌شرح زیر مثبت ارزیابی می‌کند. آموزش واژگان از طریق ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی آلمانی به یادگیرنده زبان آلمانی در تجزیه و تحلیل و درک معنی واژگان کمک می‌کند. یادگیرندگان با شناخت ریشه کلمه و توجه به قوانین ساخت واژه، قادرند معنی یک کلمه جدید و ناآشنا را حدس بزنند. بنابراین، این نوع آموزش واژگان به زبان‌آموزان در درک معنی واژگان جدید کمک می‌کند. علاوه‌براین، یادگیری واژگان با استفاده از ریشه‌شناسی و صرف‌شناسی، در ذخیره کلمات جدید در حافظه و ساخت واژه‌های جدید نیز موثر خواهد بود؛ زیرا بر اساس نتایج روش‌های آماری، این یک یادگیری معنادار است که به زبان‌آموزان کمک می‌کند از طریق تجزیه و تحلیل کلمات، لغات متعددی را یاد بگیرند و گسترش دهند. این

نتیجه بیانگر رابطه بین آموزه‌های صرف‌شناسی و ریشه‌شناسی در یادگیری، حفظ و بازیابی واژگان آلمانی برای یادگیرنده این زبان نیز می‌باشد. از آنجا که زبان آلمانی سرشار از مشتقات و ترکیبات می‌باشد و بر اساس آنچه در بخش نظری و عملی اشاره شد، لزوم رویکرد صرف‌شناسی و تجزیه و تحلیل واژه در آموزش واژگان نیز روشن می‌شود. به دلیل تعداد روزافزون مشتقات و ترکیبات در این زبان، امید است که دروس آموزش واژگان در دانشگاه‌ها، از دانش صرف و واژه‌سازی بهره بیشتری ببرند.

۶. تشکر و قدردانی

خاطر نشان می‌شود در فرایند تحقیق و تقریر این مقاله، از حمایت مالی هیچ نهاد و سازمانی استفاده نشده است.

The role of morphology and knowledge of word formation on the learning and expansion of potential German vocabulary

Mahin Moradi¹, Leili Mesgarzadeh- Aghdam², Shahram Sahavi³

Abstract

Introduction: The learning of German language vocabulary can be investigated from two points of view: “meaning and morphological structure”. There are different ways to expand the vocabulary, most of the new words are created by wordbuilding methods. Since the German language is rich in derivational and compound words, One of the suggested strategies for better learning German vocabulary is teaching vocabulary based on wordformation knowledge. The two main forms of word formation in the German language are “compounds and derivatives” which make up a wide range of German words, Therefore, the importance of learning German vocabulary based on identifying the root of the word and using morphology becomes more visible. The research problem is whether there is a relationship between the teachings of morphology and etymology in learning and expanding potential German vocabulary for the learner of this language. This research aims to measure the effect of using morphological and etymological teachings in increasing the learning of potential German vocabulary. The hypotheses of this research are that etymological and morphological teachings help the learner to analyze and understand the meaning of new words and also help the learner to effectively store and expand new German words in memory.

Background of the Study: There are various theories in vocabulary acquisition according to experts such as Rainer Bohn, BerndDietrich Müller, and oth-

1. Ph.D. student , Department of German Language, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of German Language, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)
3. Assistant Professor, Department of German Language, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

ers, which Wolfgang Hallet and Frank G. Königs collected in their vocabulary acquisition chapter, including learning words in the text, classifying words in different situations, and synonymous and opposite categories, etc, but what this research deals with is the potential vocabulary and the importance of teaching the rules of word formation in vocabulary lessons. According to Rainer Bohn, it is one of the vocabulary acquisition strategies. because if the learner is familiar with the rules of word

formation, It will also have the ability to infer the meaning of many unknown words. This means that when faced with many new words, he tries to guess the meaning of those words and needs to refer to the dictionary.

Methodology: For this purpose, an experimental method was used. And it is analytical field type, during which two identical groups of German translation students were tested. To compare the two groups, their class scores were calculated using the MannWhitney test. The result of the MannWhitney test showed that there is no significant difference between the scores of the two groups at the five percent level, which means that the two groups were equal and at the same level before the test. Then the vocabulary test was held for two groups. Data analysis in this method is for applying the right statistical or logical technique so that the raw data makes sense.

Conclusion: Vocabulary test results of both groups showed that the vocabulary of the students who learned vocabulary. By identifying the root of the word, morphology, and word formation rules was wider than the control group. Thus the test results based on statistical analysis and the Ttest were checked. In the Ttest, the comparison of the average scores of the two groups is significant at the significant level of one percent, and this itself shows a significant difference between the results of the two groups. The result of the statistical analysis of the experiments as well as the hypotheses of the research evaluates the answers to the research questions positively. Therefore, the results of the research show the positive effect of vocabulary analysis in learning and expanding potential German vocabulary.

Keywords: potential vocabulary, morphology, word formation, composition, derivation

References:

- Bimmel, Peter/Rampillon, Ute. Lernerautonomie und Lernstrategien. Fernstudieneinheit23. (In: Budziak, Renata . „ Wortbildung als Aspekt der Wortschatzarbeit –eine Herausforderung im DaFUnterricht. „ Verlag der Universität Warschau, DOI:10.31338/uw.9788323543398. 2019: 918.) Berlin : Langenscheidt Verlag, 2000.
- Bohn, Rainer . Probleme derWortschatzarbeit. Fernstudieneinheit 22. Berlin /München: Langenscheidt Verlag,1999.
- Bohn, Rainer /Schreiter, Ina. Arbeit an lexikalischen Kenntnissen. (In :Budziak, Renata . „ Wortbildung als Aspekt der Wortschatzarbeit –eine Herausforderung im DaFUnterricht. „Verlag der Universität Warschau, DOI:10.31338/uw.9788323543398. 2019: 918.) unveränderte Auflage. Baltmannsweiler, 1996.
- Börner, Wolfgang. Didaktik und Methodik der Wortschatzarbeit: Bestandsaufnahme und Perspektiven. (In: Kühn, Peter. Germanistische Linguistik, Studien zu Deutsch als Fremdsprache. In : Hallet, Wolfgang/ Königs, Frank G (Hrsg.). Handbuch Fremdsprachendidaktik. Seelze: Klett/ Kallmeyer, 2010.) Hildesheim: Olms Verlag, 2000.
- Bußmann, Hadumod. Lexikon der Sprachwissenschaft.(In: Sitar,Lilijana. Morphologischer Vergleich der deutschen und slowenischen Plakatwerbung mit der Betonung auf dem Wortbildungstyp der Kontamination. Diplomarbeit. Maribor Universität, 2013.) Stuttgart: Kröner Verlag, 2008.
- Donalies, Elke. Die Wortbildung des Deutschen: Ein Überblick (2., überarbeitete Auflage). Studien zur Deutschen Sprache, Forschungen des Instituts für Deutsche Sprache. (In: Bogner, Ištvan/ Ninković, Sanja. „ Semantik des verbalen Präfixes ver in der deutschen Gegenwartssprache und seine

Entsprechungen im Serbischen. „Jahrbuch der Philosophischen Fakultät in Novi Sad universität , DOI:10.19090/gff.2013.1. 2013: 2745.) Tübingen: Gunter Narr Verlag, 2005.

- Doye, Peter. Systematische Wortschatzvermittlung im Englischunterricht. (In:Hallet, Wolfgang/ Königs, Frank G (Hrsg.). Handbuch Fremdsprachendidaktik. Seelze: Klett/ Kallmeyer, 2013.) Hannover: Schroedel Verlag, 1975.
- Duden(Band4). DieGrammatik.8.Auflage.MannheimWienZürich: Dudenverlag, 2009.
- Eisenberg, Peter. Grundriss der Deutschen Grammatik. Bd. 1. (In :Bogner, Ištvan/ Ninković, Sanja. „ Semantik des verbalen Präfixes ver in der deutschen Gegenwartssprache und seine Entsprechungen im Serbischen. „Jahrbuch der Philosophischen Fakultät in Novi Sad universität , DOI:10.19090/gff.2013.1. 2013: 2745.) Stuttgart/Weimar: Metzler, 2004.
- Fleischer, Wolfgang/ Barz, Irmhild. Wortbildung der deutschen Gegenwartssprache. (In: Sitar,Lilijana. Morphologischer Vergleich der deutschen und slowenischen Plakatwerbung mit der Betonung auf dem Wortbildungstyp der Kontamination. Diplomarbeit. Maribor Universität, 2013.) Tübingen : Niemeyer, 2007.
- Hallet, Wolfgang/ Königs, Frank G (Hrsg.). Handbuch Fremdsprachendidaktik. Seelze: Klett/ Kallmeyer, 2013.
- Heyd, Gertraude. Deutsch Lehren, Grundwissen für den Unterricht in Deutsch als Fremdsprache. 1.Aufl. GmbH & Co. Frankfurt am Main: Diesterweg, 1990.
- Rampillon,Ute.LerntechnekenimFremdsprachenunterricht:Handbuch.3 „überarb.u.erw. (In :Kienberger, Martina. Das Potenzial des potenziellen Wortschatzes nutzen. Erschließungsstrategien für unbekanntes Wortschatz unter DaFLernenden an spanischen Universitäten. Dokrorarbeit. Salamanca Universität ,2020.)Aufl. Ismaning : Hueber, 1996.

- Schmidt, Wilhelm. Deutsche Sprachkunde. Paderborn: IFB Verlag, 2008.
- Storch, Günther. Deutsch als Fremdsprache eine Didaktik. München: Fink, 2009.
- Stork, Antje. Vokabellernen. Eine Untersuchung zur Effizienz von Vokabellernstrategien. (In: Wolfgang Hallet/Frank G. Königs (2013): Handbuch Fremdsprachendidaktik.) 2. Auflage. Tübingen Narr, 2003.
- Löschmann, Martin. Effiziente Wortschatzarbeit: Alte und neue Wege: Arbeit am Wortschatz integrativ, kommunikativ, interkulturell, kognitiv, kreativ. (In: Kienberger, Martina. Das Potenzial des potenziellen Wortschatzes nutzen. Erschließungsstrategien für unbekanntes Wortschatz unter DaFLernenden an spanischen Universitäten. Dokrorarbeit. Salamanca Universität, 2020.) Frankfurt am Main : Peter Lang, 1993.
- Menzel, Wolfgang. Wortbildung Wortbestand. In: Praxis Deutsch. (In: Targonska, Joanna. " Wortbildungskennntnisse zur Förderung des spielerischen und kreativen Umgangs mit fremdsprachlichen Lexikbeständen." Colloquia Germanica Stetinensia in Szczecin Nr22, NR774. 2013: 300318 .) Seelze: Friedrich Verlag Velber, 1979.
- Müller, BerndDietrich. Wortschatzarbeit und Bedeutungsvermittlung . Berlin :Langenscheidt 1998.
- Mungan, Güler. Die semantische Interaktion zwischen dem präfigierten Verb zu dem Simplex bei deutschen Partikel und Präfixverben. (In: Bogner, Ištvan/ Ninković, Sanja. „ Semantik des verbalen Präfixes ver in der deutschen Gegenwartssprache und seine Entsprechungen im Serbischen. „Jahrbuch der Philosophischen Fakultät in Novi Sad universität , DOI:10.19090/gff.2013.1. 2013: 2745.) Frankfurt am Main: Peter Lang, 1986.
- Neuner, Gerhard . Lernerorientierte Wortschatzauswahl und vermittlung. (In:BOHN, Rainer . Probleme der Wortschatzarbeit. Fernstudieneinheit 22. Berlin /München: Langenscheidt Verlag, 1999.) Berlin : Deutsch als Fremd-

sprache, 1991.

- Neveling, Christiane .Wörterlernen mit Wörternetzen. Eine Untersuchung zu Wörternetzen als Lernstrategie und als Forschungsverfahren. (In : Kienberger, Martina. Das Potenzial des potenziellen Wortschatzes nutzen. Erschließungsstrategien für unbekanntes Wortschatz unter DaFLernenden an spanischen Universitäten. Dokrorarbeit. Salamanca Universität ,2020.) Tübingen: Narr, 2004.
- Sobhani Bahrami, Kaveh. Word order and Constituent Structure in German, *Critical Language/Literary Studies*,2017.
- Wildfeuer, Alfred.“ Wortschatzarbeit im DazUnterricht. Unterstützung der Organisationsprozesse des mentalen Lexikons in Deutsch als Zweitsprache. „ No.3. 2009:1321 .